

## جنگ در یمن: ابعاد و پیامدها

یکصد و سومین جلسه اتاق فکر در تاریخ 17 آذرماه 1388 با ارائه آقای هادی محمدی به موضوع بررسی اوضاع یمن اختصاص یافت. وی نکاتی درباره وضعیت عمومی یمن بیان نموده و سپس به مسأله درگیری‌های یمن، ابعاد و پیامدهای آن پرداخت. نکات عمده مطروحه در بیانات نامبرده به شرح زیر می‌باشد.

وی همچنین اظهار نظر نمود که شایسته است کنفرانس اسلامی برای توقف این جنگ که در ماه حرام در حال انجام است اقدام کند. به هر حال ما خواستار پایان دادن به جنگ هستیم و شاید مناسب باشد اتحادیه عرب و یا قطری‌ها در این روند فعال شوند. باید از پتانسیل لیبی و رهبری آن کشور نیز در حل و فصل جنگ استفاده کرد. اکنون حدود 500 تا 600 هزار نفر جنگ‌زده و آواره داریم. این جنگ را نباید مذهبی تعریف کرد و نباید اجازه داد دشمنان به این جنگ هویت مذهبی بدهند. در جنوب، برخی پرچم یمن جنوبی را برافراشته‌اند. گفته می‌شود که جنبش جنوبی از سوی برخی کشورها از جمله اماراتی‌ها، مصری‌ها و قطری‌ها حمایت می‌شوند و ارتباطاتی بین آنها وجود دارد. در خصوص تأمین سلاح‌های حوثی‌ها، برخی می‌گویند قسمتی از سلاح آنان از ناحیه سومالی و اریتره تأمین می‌گردد و جریان اسلام‌گرایی سومالی را با حوثی‌ها مرتبط می‌دانند.

آقای محمدی اظهار داشت که برای مطالعه تحولات جاری یمن باید هم ابعاد داخلی و تاریخ سیاسی آن کشور و هم ابعاد خارجی و متغیرهای سیاست خارجی آن کشور را بررسی نمود. به اعتقاد وی، آنچه در یمن می‌گذرد در جغرافیای بزرگتری مطرح است و نه در محدوده استان صعده و حتی خود یمن. کشور یمن گذشته ویژه‌ای از لحاظ حاکمیت دارد. گفته می‌شود یمنی‌های صعده توسط شخص حضرت امام علی بن ابیطالب (ع) شیعه شده‌اند و به این توصیف مشهورند. شیعیان یمن اغلب زیدی و اسماعیلی و تنها 4٪ آنها دوازده امامی هستند. بحث ظهور یمانی به عنوان مقدمه ظهور حضرت مهدی (عج) نیز مطرح است. متأسفانه طرح بحث تروریسم پس از 11 سپتامبر، در سطح افکار عمومی و در سطح بین‌المللی، بسیاری از اموری که قبلاً جزو امور ممنوعه بودند را مجاز می‌شمارد. به اضافه، فضا سازی اخیر رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانع تحرک دستگاه دیپلماسی شده است.



این جنگ به صورت غیرمستقیم از طرف اسرائیل و آمریکا تحمیل گردیده است. در سال‌های 1948 و 1949 یهودیان از کشورهای خاورمیانه به اسرائیل رفتند. از جمله در قالب عملیات قالیچه سلیمان یهودیان را به اسرائیل اعزام کردند.

گفته می‌شود آمریکایی‌ها در برخی جلسات به عرب‌ها گفته‌اند که ما دو جنگ داریم و اداره آن ضرورت دارد و آماده جنگ جدیدی نیستیم و فکر اینکه ما جبهه جنگ جدیدی را علیه ایران بازکنیم نادرست است و باید از سر بیرون کنیم. لذا آنها به دنبال آن هستند که با سیاست کیکاوس که از عقاب‌ها برای بالا بردن استفاده می‌کرد، از مذاکرات سوریه-اسرائیل درباره ایران بهره‌برداری کنند. آمریکایی‌ها درصددند که از تجارب دهه‌های 1920 تا 1970 میلادی انگلستان استفاده کنند و از جنگ مستقیم منطقه‌ای خود را رها کنند تا هزینه‌های فعلی را کاهش دهند.

دو کشور یمن و عربستان در بخش شرقی دریای سرخ قرار دارند و مهمترین مرکز صادرات نفت عربستان بندر ینبوع است. رژیم صهیونیستی کانالی می‌خواهد از بندر ایلات در خلیج عقبه دریای سرخ تا بندر اشدود در دریای مدیترانه تا بدین ترتیب از کانال سوئز بی‌نیاز شود. اسرائیل از 1948 تا اوایل دهه 1970 نمی‌توانست از کانال سوئز استفاده کند و اکنون نیز به علت وضعیت نامشخص حکومت مصر در آینده به دنبال بی‌نیاز کردن خود از این کانال است.

مدیریت کلی سرکوب حوثی‌ها با آمریکایی‌ها است؛ اسرائیلی‌ها نیز در این جنگ، همچون سایر موارد، تجارب خود را در اختیار طرف‌های خودی قرار می‌دهند.

آمریکایی‌ها به دنبال استقرار دایمی در دهانه باب‌المنندب هستند. در حاشیه جنگ اریتره با یمن، درباره

جزیر حنیش، اسرائیلی‌ها در آن جزیره مستقر شدند و جزیره جدیدی نیز برای یک‌صد سال توسط آمریکایی‌ها اجاره شد.

به نظر می‌رسد موضوع یمن راه حل نظامی ندارد. آنچه در یمن و صعده اتفاق می‌افتد بخشی از پازل منطقه‌ای است و با طرح آمریکایی‌ها مرتبط است. اتفاقاتی در عراق و لبنان و فلسطین در حال انجام است و پروژه‌هایی در مورد سوریه در قالب مذاکره بین سوریه و اسرائیل باید رخ دهد و لذا در مجموع نقشه جغرافیایی منطقه این مسأله قابل تعریف و تحلیل است. آنها به دنبال آن هستند که سوریه را از پیوند با ایران و مجموعه مقاومت جدا کنند.

به جز 2 هزار نیرویی که از اردن آمده‌اند، از مغرب نیز نیروهای ویژه‌ای به یمن منتقل شده‌اند. از سوی دیگر ناآرامی‌های موجود در باب‌المنندب نیز قابل توجه است. این حوادث براساس دیدگاه برخی، بهانه برای مدل‌سازی و نظم جدیدی در این منطقه محسوب می‌شود.

ورود عربستان به این جنگ ناشیانه بوده است. زیدی‌ها و اسماعیلی‌ها در دو طرف مرز حضور دارند. در این منطقه 240 روستا تخلیه شده و به داخل عربستان کوچ داده شده‌اند و سیا به آنها توصیه کرده است که این وضعیت جمعیتی را باید به نحوی تغییر دهند که در آینده برای عربستان مشکلات جدیدی را پدید نیاورد. از 2003 تاکنون حکومت با مجموعه حوثی‌ها برخورد می‌کند ولی اکنون موضوع مناقشه متفاوت شده است. در یمن به جز جریان قبیله‌ای چند جریان فکری وجود دارد. وهابی‌ها و بعضی‌ها جزو جریان‌های اثرگذار در آنجا هستند. در طول این سال‌ها تعداد قابل توجهی از بعضی‌ها به یمن رفته‌اند و حضور آنها در درگیری‌های 2004 تأثیر قابل توجهی داشته است.



وهابی‌ها نیز از دو سه دهه قبل نقش زیادی در درگیری بین دو طرف حوثی و حکومت داشته‌اند.

در یکی دو سال اخیر فضای داخلی با فضای منطقه‌ای پیوند خورده و علی‌عبداله صالح در سفر به سعودی از آنها کمک خواسته است و مسؤول امنیت سعودی به لیبی سفر کرده، از آنها می‌خواهد که به حوثی‌ها کمک نکنند.

نکته دیگر عجین بودن مردم با سلاح و همراه داشتن آن است که هماهنگ با اعتقادات آنها در وفاداری به امام قائم به سیف است. تهیه سلاح هم در این منطقه کار خیلی مشکلی نیست.

نکته دیگر در شناسنامه این منطقه شاخصه قبایلی این منطقه است و این امر در جامعه‌شناسی آنها قابل توجه است.

در بین حوثی‌ها حسین بدرالدین فرزند یک خانواده بزرگ و دارای مذهب زیدی است و تاریخ آنها با تاریخ هزارساله حکومت آنها عجین است. او چند سال پیش کشته شد و فرزندش عبدالملک جانشینی وی را به عهده

گرفت. حسین حوثی حزب حق را به عهده داشته و در کنار رئیس جمهور بر ضد وهابیت بوده‌اند و لذا تاریخ حوثی‌ها تاریخ با هویتی است و با زیدی‌ها و اسماعیلیه‌ای‌ها متفاوت است.

زیدی‌ها دارای دولت ویژه‌ای از سال 898 تا سال 1962 بوده‌اند. بنابراین، یک تاریخ هزارساله حکومتی دارند. منطقه صعده نیز دارای آب و هوای بسیار خوب بوده و از بقیه مناطق متمایز است و منابع طبیعی آنجا نیز مورد توجه است. همچنانکه موقعیت آن در نزدیکی باب‌المنذب نیز مورد نظر است. این منطقه همواره در مسیر یمن، نجد و حجاز بوده است و مسیری حتی برای آفریقایی‌ها برای رفتن به مکه است. مردم صعده جنگجو هستند و در 1962 وقتی عبدالناصر سرباز می‌فرستد برای مهار جنگ داخلی پس از فروپاشی حکومت زیدی چهل هزار سرباز مصری شکست می‌خورند.

*مرکز مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس*

